

شهادت مأمور پلیس از سوی قاچاقچیان

گروه حوادث: قاچاقچیان سوخت برای فرار از دست پلیس یکی از مأموران را با خودرو زیر گرفته و به شهادت رساندند.

سردار غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی استان هرمزگان در تشریح جزئیات درگیری یکشنبه شب با قاچاقچیان در بندعباس، گفت: مأموران انتظامی یگان امداد شهرستان بندرعباس یکشنبه شب در پی کار اطلاعاتی از انتقال سوخت قاچاق به وسیله یک دستگاه کامیون تانکر مطلع شدند و ضمن هماهنگی و دریافت حکم مأموریت به محور اسپین از توابع شهرستان بندرعباس رفته و کامیون مورد نظر را در منطقه پاتل مشاهده کردند سپس با استفاده از علائم هشداردهنده پلیسی از قبیل چراغ گردان



و تابلو ایست با معرفی هویت پلیسی خود و ارائه کارت شناسایی، خودرو را متوقف کردند.

وی افزود: پس از بررسی بارنامه مشخص شد بارنامه جعلی بوده و راننده اقرار کرد محموله سوخت را از اصفهان به مقصد روستای گچین باگیری کرده و قصد فروش به قاچاقچیان را داشته است اما حین انتقال خودرو به یگان انتظامی، راننده در مسیر انتقال چندین مرحله اقدام به خاموش کردن خودرو کرد و در نهایت ضمن سرپیچی از دستور مأموران با فاصله ۶ متری از جاده اصلی در شانه خاکی توقف و از ادامه مسیر خودداری کرد.

این مقام انتظامی استان تصریح کرد: در همین حین یک دستگاه خودروی پژو پارس که سرنشینانش خودروی حامل سوخت را اسکورت می‌کردند به قصد جلوگیری از انتقال خودرو، خلاف جهت و به عمد با سرعت زیاد به سمت مأموران حمله‌ور شده و ابتدا با یکی از آنان برخورد کرد و سپس با زیر گرفتن یکی دیگر از مأموران حاضر به هویت استواریکم رضا احترامی به شهادت این مأمور جان برکف انتظامی منجر شد.

سردار جعفری اظهار کرد: راننده خودروی پژو پارس به هویت دانیال که فرزند راننده کامیون تانکر حامل سوخت بود از ناحیه هر دو پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت و پس از دستگیری به بیمارستان صاحب‌الزمان بندرعباس منتقل شد. در این عملیات ۳۰ هزار لیتر گازوئیل قاچاق به ارزش ۸ میلیارد و ۱۰۰ میلیون ریال کشف و ضبط شد.

بخشش به شرط

دیه ۴۰۰ میلیون تومانی



گروه حوادث/ مرد جوانی که برادرز نش را به خاطر ۴۰۰ هزار تومان به قتل رسانده و پس از محاکمه به قصاص محکوم شده بود حالا با گذشت ۱۶ سال از این جنایت با درخواست دیه ۴۰۰ میلیون تومانی از سوی خانواده مقتول روبه‌رو شده است.

به گزارش خبرنگار حوادث متهم در ۱۶ سال قبل گزارش «ایران»، ۱۶ سال قبل گزارش یک قتل در یکی از شهرستان‌های اطراف تهران به پلیس اعلام شد. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد پسر ۲۶ ساله‌ای با ضربه چاقوی شوهر خواهرش به قتل رسیده است. پس از شکایت خانواده مقتول تحقیقات برای دستگیری متهم فراری آغاز شد اما چند روز بعد مرد جوان با پای خود به اداره پلیس رفت و ضمن اعتراف به قتل تسلیم شد.

متهم در بازجویی‌ها گفت: درگیری با برادر زرم از وقتی شروع شد که باهم یک خودروی پیکان معامله کردیم. برادر زرم بابت خرید خودرو

از شهرستان‌های اردبیل رفتند. از آنجا که ۱۶ سال از این ماجرا گذشته بود با تلاش واحد صلح و سازش زندان و درخواست مرد زندانی برای تعیین تکلیف در پرونده‌اش سرانجام اولیای دم مقتول حاضر شدند با دریافت ۴۰۰ میلیون تومان از قصاص متهم صرف‌نظر کنند.

مرد زندانی که حالا ۳۷ ساله شده است در حالی که بهترین سال‌های زندگی و جوانی‌اش را در زندان و با کابوس مرگ گذرانده است، گفت:

افشای راز مرگ مرد ورشکسته در بازداشتگاه

بدهی‌هایش اقدام به فروش تعدادی از املاکش کرد که باتوجه به گران شدن ناگهانی ملک، همین موضوع باعث ورشکستگی او شد. به اعلام نظریه پزشکی قانونی و مشکوک بودن ماجرا، بازپرس جنایی دستور بازبینی دوربین‌های مداربسته کلانتری و اطرافش را صادر کرد. در بازبینی دوربین‌ها، تصاویری به دست آمد که نشان می‌داد شاکي پرونده، قبل از ورود آنها به کلانتری، بسته‌ای را به او داده است. با به دست آمدن این تصاویر و احتمال اینکه او قرض‌های برنج را به امیر داده است، مرد جوان به نام شهروز بازداشت شد. شهروز در تحقیقات گفت: امیر از دوستانم است و

او به بیمارستان فوت کرد. در تحقیقات اولیه به نظر می‌رسید که مرد جوان بر اثر سکنه قلبی فوت کرده است اما زمانی که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحت معاینات قرار گرفت، علت مرگ مسمومیت با قرض برنج اعلام شد. در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که امیر وضع مالی خوبی داشته و در کار خرید و فروش زمین و ملک بود است. اما برای توسعه کارش از دوست و آشنا ۱۵ میلیارد تومان پول قرض گرفته بود. تا اینکه سال گذشته چند مرد کلاهبردار سر او کلاه گذاشتند و مقدار زیادی از اموالش را تصاحب کردند. از سوویی امیر سال گذشته، برای پرداخت

گروه حوادث/ بازبینی دوربین‌های مداربسته مقابل کلانتری، راز مرگ مرموز مرد ورشکسته در بازداشتگاه را فاش کرد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواسط فروردین امسال، مرگ مشکوک مرد ۳۵ ساله‌ای در بازداشتگاه یکی از کلانتری‌های تهران به بازپرس میثم حسین پورا اعلام شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد مرد جوان به نام امیر با شکایت مردی که سه میلیارد تومان به او بدهی داشت، ساعت ۱۰ شب به کلانتری منتقل شده است. اما دو ساعت بعد در بازداشتگاه کلانتری، امیر دچار دل درد شدید شد و مأموران بلافاصله اورژانس را خبر کردند اما قبل از انتقال

واژگونی خودروی کمک‌داور فوتبال

گروه حوادث: کمک‌داور فوتبال که خودرواش در جاده اصفهان واژگون شده مدعی شد به او سوء قصد شده است. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح روز یکشنبه در حالی که مرتضی شهرباری کمک‌داور فوتبال، شهر اصفهان را به مقصد تهران ترک می‌کرد خودروی او در ۲۰ کیلومتری تهران سالم به در برده بود، مدعی شد راننده یک دستگاه خودروی سورن مشکي چند بار به عمد از پشت به خودروی وی کوبیده و باعث واژگونی خودرواش شده و سپس متواری شده است. به گفته شهرباری، او شکایت اولیه را از خودروی متخلف که پس از حادثه متواری شده انجام داده و از مأموران پلیس راهور خواست تا با چک کردن دوربین‌های جاده راننده خودروی سورن را شناسایی کنند.

علی خسروی، عضو کمیته داوران در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» عنوان کرد: پس از اطمینان از سلامت جسمی مرتضی شهرباری از او خواستیم تا در اسرع وقت با حضور در کمیته داوران شکایتی را تنظیم کند تا ما در این کمیته پیگیری‌های لازم قضایی را انجام دهیم. خداداد افشاریان، رئیس کمیته داوران نیز در خصوص حادثه رخ داده برای کمک‌داور دیدار دو تیم فوتبال ذوب‌آهن

واژگونی خودروی کمک‌داور فوتبال



شدید متهم با اعضای خانواده‌اش عنوان کرد و افزود: در تحقیقات اولیه توسط کارآگاهان پلیس آگاهی مشخص شد متهم روز قبل از حادثه نیز سراغ همسرش و خانواده اورفته و در اقدامی جنون‌آمیز همسرش را همراه پدر مادر وی به قتل رسانده است.

این مقام انتظامی با بیان اینکه تحقیقات تکمیلی در این خصوص کماکان ادامه دارد و کارآگاهان در حال بررسی دقیق‌تر این پرونده هستند، گفت: فرد ضارب به موادمخدر اعتیاد داشته است. اعتیاد بلایی خانمان‌سوز است که رد پای آن در بیشتر جرایم و از جمله قتل‌های ناشی از اختلافات خانوادگی به‌وضوح دیده می‌شود. به گزارش فرماندهی انتظامی استان اصفهان، سرهنگ کریمی با بیان اینکه افراد معتاد در صورت بروز عصیانیت و درگیری‌های ناشی از اختلافات قادر به کنترل خود نیستند و دسترسی آنها به سلاح‌های سرد و گرم بسیار خطرناک است، گفت: از شهروندان می‌خواهیم در صورت اطلاع از هرگونه خرید و فروش یا نگهداری غیرمجاز سلاح توسط افراد، موضوع را از طریق سامانه تلفنی ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند تا در اسرع وقت با اینگونه افراد برخورد قانونی صورت گیرد و دیگر شاهد تکرار اینگونه حوادث تلخ نباشیم.

محل زندگی او شده و در تحقیق از خانواده مهناز، مشخص شد وی مدتی است با پسری به نام بهمن نامزد کرده و آخرین بار برای دیدن او خانه را ترک کرده است. با توجه به اینکه بهمن ۲۰ساله آخرین نفری بود که مهناز را زنده دیده بود، یک روز پس از کشف جسد دستگیر و برای تحقیقات به اداره آگاهی منتقل شد. مرد جوان در حالی که منکر قتل بود، گفت: مدتی قبل در یک میهمانی با مهناز آشنا شدم. کم‌کم عاشق مهناز شدم اما او به من بی‌توجهی می‌کرد. مدام سرش داخل گوشی تلفنش بود و همین مسأله باعث شد به او مشکوک شوم. از طرفی متهم جسد مهناز معتاد است و با هم اختلاف پیدا کردیم. روز حادثه مهناز به خانه‌ام آمد و چند ساعتی هم در خانه‌ام بود، اما سر همین وارد بحث‌مان شد و بعد خانه را ترک کرد. دیگر هم از او خبری ندارم و نمی‌دانم چه اتفاقی برای او رخ داده و در مرگش نقشی ندارم. در حالی که بهمن چنین اظهاراتی را مطرح کرد، اما با توجه به مدارک و شواهد به‌دست آمده، احتمال دست داشتن مرد جوان در این جنایت پررنگ شده و با قرار بازداشت موقت به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی پایتخت در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد است.

پسرعموی قاتل به بیمارستان روانی رفت

گروه حوادث/ مرد جوانی که به اتهام قتل پسرعمویش بازداشت شده است برای بررسی سلامت روانی به دستور بازپرس جنایی به بیمارستان روانی منتقل شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ساعت ۷:۳۰ صبح یکشنبه و به دنبال گزارش قتل مردی، ۷۰ساله از سوی مأموران کلانتری ۱۵۷ مسعودیه به بازپرس محمد تقی شعبانی آغاز شد.

با حضور بازپرس جنایی و تیم بررسی صحنه جرم، با جسد پیرمرد در حالی که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود مواجه شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد پسرعموی مقتول به نام هرمز که میهمان خانه‌اش بوده دست به این قتل زده و تصمیم داشته که همسر و دختر بزرگ مقتول را نیز به قتل برساند که موفق نشده است. متهم در تحقیقات گفت: پسرعمویم مرا طلسم کرده بود. من هم برای اینکه از طلسم اونجات پیدا کنم، نقشه قتلش را کشیدم. به عنوان میهمان وارد خانه‌اش شدم و با چاقو او را به قتل رساندم. در حالی که متهم چنین اظهاراتی داشت، بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول مردی مورد اعتماد و از ریش سفیدان فامیل بوده و اقوام و دوستان برای او احترام زیادی قائل بوده‌اند و با اظهارات متهم همخوانی ندارد. از سوی خانواده مقتول نیز به دادسرای امور جنایی رفته و درخواست قصاص متهم را ثبت کردند. با توجه به اینکه وضعیت روحی متهم مناسب نبود به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی تهران، او به بیمارستان روانی منتقل شد تا تحت درمان و آزمایشات قرار گیرد و متخصصان پزشکی قانونی وضعیت روانی او را بررسی کنند.

نقض حریم خصوصی بهانه طلاق

گروه حوادث: در طبقه دوم دادگاه خانواده زوجی جوان با فاصله چند متری از هم ایستاده بودند اما رفتارشان آنقدر با هم غریبه بود که کمتر کسی فکر می‌کرد آنها یک زوج هستند و مدتی را با هم زیر یک سقف بوده‌اند. دختر جوان گاهی زیرچشمی به همسرش نگاه می‌کرد و بعد هم آهی می‌کشید و سرش را پایین می‌انداخت. دقیقی از ساعت ۱۰ گذشت که منشی دادگاه با صدا کردن زوج جوان، آنها را به داخل شعبه هدایت کرد. قاضی با موهای جو گندمی و کت و شلوار آبی رنگی در حال خواندن دادخواست بود و چند دقیقه بعد از آن رو به زوج جوان کرد و گفت خانم سحر... و آقای میلاد... چرا دادخواست طلاق توافق دادید؟ یکی از شما ماجرا را برابرم تعریف کند.

سحر و میلاد نگاهی به هم کردند و بعد سحر رو کرد به قاضی و گفت: حاج آقای من میلاد در کلاس موسیقی با هم آشنا شدیم. ادب و شخصیت او من را جذب کرد و حتی حالا هم که قرار است از هم جدا شویم، ذره‌ای از احترامی که برایش قائلم، کم نشده است. روز آخر کلاس‌ها از من خواستگاری کرد و من هم به خاطر علاقه‌ای که به او پیدا کرده بودم بدون تعلل پذیرفتم و با موافقت خانواده‌هایمان عقد ساده‌ای گرفتیم و زندگی مشترک‌مان را شروع کردیم تا یکسال نه بختی داشتیم و نه تنشی و من فکر می‌کردم جقدر زندگی شیرین است تا اینکه یک بحث دادید؟ یکی از شما ماجرا را برابرم تعریف کند.

میلاد به یکباره حرف‌های همسرش را قطع کرد و گفت: بحث کوچک بود اما حل نشد بالاخره همه زن و شوهرها با هم اختلاف نظر دارند من و سحر هم اختلاف سلیقه داشتیم اما متأسفانه در این یک سال به خاطر ندانم که ما نیم ساعت رویه‌روی هم نداشته ایم حرف زد باشیم. نکته دیگر هم رفتاری است که باعث شد نتوانم با آن کنار بیایم. او بدون اطلاع به من با دوستانش به سفر رفته بود بی‌توجهی به من و اینکه انگار من وجود ندارم، آرام می‌دهد. در طول روز من نمی‌دانم او کجاست و چه می‌کند. مگر می‌شود کسی از همسرش خبر نداشته باشد و با آن کنار بیاید. سحر به میلاد نگاه کرد و گفت: من بابت این موضوع بارها از تو معذرت خواهی کردم.

میلاد جواب داد: از وقتی دیدم من را نمی‌بینی، من هم تصمیم گرفتم تو را نبینم. سحر گفت: پس تو قصد تلافی کردن داری. هر شخصی حریم خصوصی دارد.

میلاد با صدایی بلندتر گفت: درسته بعضی چیزها حریم خصوصی است اما مگر میان زن و شوهر حریم خصوصی معنی دارد. من غریبه نبودم قطعا کارهای ما به همدیگر مربوط می‌شه. جناب قاضی من از بی‌تفاوتی‌های همسرم خسته شدم و تصمیم گرفتم از او جدا بشوم تا به قول خودش حریم خصوصی‌اش خدشه‌دار نشود.

قاضی رویه زوج جوان کرد و گفت: این تصمیم عجولانه درست نیست شما هر دو به همدیگر علاقه دارید حیفا است که بخواهید خیلی زود از سر یک تصمیم احساسی زندگی‌تان را خراب کنید. به نظرم شما باید دوام مستمر به واحد مشاوره بروید و از نظرات کارشناس خانواده بهره‌برید. من یقین می‌دانم که پس از حضور در این کلاس‌ها، مشکل‌تان حل خواهد شد. امیدوارم دوامه بعد که شما را می‌بینم، تصمیم بهتری گرفته باشید.

■ امیرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده متأسفانه این روزها مسئولیت‌پذیری و تعهد بین زوج‌های جوان رنگ باخته و همین موضوع باعث سردی و ایجاد طلاق عاطفی شده‌است. همان‌طوری‌که جزئیات پرونده نشان می‌دهد، این زوج به خاطر مشکلات جزئی و کم‌اهمیت با هم لجبازی کرده‌اند که در مجموع مشخص می‌کند زوج توجهی به مسئولیت و تعهدی که نسبت به یکدیگر باید داشته باشند، ندارند. کافی است این زوج بیشتر باهم گفت‌وگو کنند و با تکیه بر مسئولیت‌پذیری مشکلات خود را حل و فصل کنند. بی‌شک وقتی مسائل کوچک حل نشوند، در آینده به مشکلاتی بزرگ بدل خواهند شد.

هلاکت عامل شهادت فرمانده ایست و بازرسی



گروه حوادث/ یکی از عاملان شهادت فرمانده ایست و بازرسی شهید چغزاردی شهرستان میناب در جریان درگیری با تکاوران پلیس شهرستان‌های میناب و رودان، به هلاکت رسید. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سردار غلامرضا جعفری فرمانده انتظامی استان هرمزگان در تشریح این خبر گفت: مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر میناب با رصد عناصر اصلی قاچاق موادمخدر از تصمیم اشرار و قاچاقچیان مبنی بر انتقال موادمخدر به صورت مسلحانه از جنوب استان کرمان به سمت میناب مطلع شدند و بلافاصله پیگیری موضوع را در دستور کار قرار دادند.

وی افزود: در ادامه مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر این شهرستان با همکاری مأموران انتظامی شهرستان رودان حین کنترل خودروهای عبوری واقع در محور هشتبندی- میناب خودروی پژو پارس را با شناسایی کردند. پس از آن مأموران بلافاصله دستور ایست دادند اما راننده و سرنشین خودرو که مسلح بودند، بدون توجه به دستور پلیس قصد متواری شدن داشتند و با توجه به تنگ شدن عرصه اقدام به درگیری و تیراندازی مسلح به سمت مأموران کردند.

فرمانده انتظامی استان هرمزگان تصریح کرد: در این درگیری که به مدت یک ساعت بین مأموران و اشرار مسلح حاصل موادمخدر به طول انجامید، سرانجام تکاوران پلیس موفق شدند یک نفر از اشرار مسلح را که از عاملین شهادت شهید «فرجاج» حجت‌الله دستبانی بوده به هلاکت رساند و یک دستگاه خودروی پژو پارس را متوقف کنند. در بازرسی از خودرو و محل زمینگیر شدن قاچاقچیان مقدار ۲۰۰ کیلوگرم تریاک و یک قبضه سلاح جنگی کلاش و تعدادی خشاب و فشنگ جنگی کشف شد. سایر عناصر این باند که متواری شدند نیز شناسایی و اقدامات پلیسی برای دستگیری آنان ادامه دارد. سرگرد حجت‌الله دستبانی فرمانده ایستگاه بازرسی چغزاردی میناب بود که ۱۹ اکتبر سال ۹۸ طی درگیری با قاچاقچیان مسلح موادمخدر به شهادت رسید.

انکار مرد جوان در قتل نامزدش

گروه حوادث: همزمان با کشف جسد زن جوانی داخل گونی، نامزد وی در حالی به اتهام قتل بازداشت شد که منکر این جنایت است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۲بامداد ۱۸ خرداد گونی در کنار سطل زباله یک پارک مواجه شد. گزارش کشف جسد از سوی مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه به بازپرس محمدتقی شعبانی اعلام شد. با اعلام این خبر بازپرس جنایی و تیم بررسی صحنه راهی محل شده و با نیم تنه زن جوانی داخل گونی مواجه شدند. معاینات متخصصان پزشکی قانونی حکایت از آن داشت که از زمان مرگ حدود ۲۴ ساعت می‌گذرد. ساعت ۵بامداد، باهای مقتول نیز کنار بازار گل محلاتی کشف شد و لفظاتی بعد دست‌ها و سر زن جوان نیز پیدا شد. به دستور بازپرس جنایی، جسد برای شناسایی و مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل و خیلی زود مشخص شد که زن جوان به نام مهناز چندین بار به اتهام حمل و نگهداری و مصرف مواد بازداشت شده بود.

این در حالی بود که متخصصان پزشکی قانونی علت اولیه مرگ را شستگی گردن اعلام کردند. با مشخص شدن هویت مقتول، آدرس محل زندگی او در یکی از مناطق جنوبی پایتخت به دست آمد. بدین ترتیب تیم جنایی راهی

